

که از یک متن گرفته نشده. در حقیقت یک فکر و ایده خاصی است که در قصه‌ها و فیلم‌های متعددی وجود دارد. در فیلم «بده شده» دختر فردی را برده‌اند که بفروشد و این فرد می‌خواهد دخترش را پس بگیرد. من این فکر و ایده را اقتباس کردم. با این تفاوت که در «شاخ کرگدن» خواهر شخصیت اصلی را می‌دزدند. یا مثلاً در زندان اوین، دفتر خاطراتی بود که زنان زندانی خاطرانشان را در آن یادداشت می‌کردند. من در اوین آن را خواندم و از آن خاطرات فیلمنامه «شانه دوست» را اقتباس کردم. این اقتباس من از داستان‌های واقعی بود اما چون این خاطرات در جایی مدون نشده بود من فقط از آن‌هایی که به من در شکل گرفتن این فیلمنامه کمک کردند، تشکر کردم.

### در واقع شما برداشتی از یک اتفاق را تبدیل به فیلم کردید که نیاز به وارد کردن قصه هم دارد.

نمی‌توانستم عنوان کنم که این فیلم اقتباس از فلان کتاب است چرا که خاطرات زندانیان واقعی بود. اگر ما حتی در همین حد هم اقتباس را وارد آثارمان کنیم به نظر من باز هم سینمای موفق‌تری خواهیم داشت. چه خوب است که در هر موضوعی که می‌خواهیم فیلم بسازیم مثلاً اگر در مورد یک زن زندانی می‌خواهیم بسازیم، برویم و از خود همان‌ها اقتباس کنیم، داستان‌های خودشان را ببینیم یا مثلاً اگر قرار است راجع به سربازها فیلم بسازیم، داستان‌های خود سربازها را استخراج کنیم، نه این که مثلاً سربازی خودمان یا حدیث نفس خودمان، که اغلب هم نقطه‌ای و جوی و قهرمان و درام ندارد را بنویسیم و بعد فیلم‌های ضعیفی را تولید کنیم.

### اگر شرایط برای ساخت فیلمی اقتباسی برای شما فراهم شود، دوست دارید روی چه قصه‌ای کار کنید؟

من خیلی دوست دارم حوادث واقعی که دراماتیک هستند را بگیرم. البته درام را در جای جایش بگذارم و بعد تبدیلش کنم به یک فیلمنامه. یک فیلمنامه‌ای که خیلی دوست داشتم آن را بسازم و متأسفانه موفق به ساختش نشدم، فیلمنامه‌ای بود در مورد «شیرین ابوعاقله» یک خبرنگار فلسطینی-آمریکایی که در اسرائیل کشته شد. من دقیقاً براساس همان اطلاعاتی که خود اسرائیل به عنوان حادثه‌ای که منجر به قتل شیرین ابوعاقله شده بود، یک فیلمنامه نوشتم و آن را به فارابی دادم. آن‌جا که من گفتند فیلمنامه خیلی خوبی است ولی شیرین ابوعاقله‌اش کم است! در صورتی که من این فیلمنامه را با توجه به کم و زیاد بودن شیرین ابوعاقله نوشتم. من می‌خواستم ماجرای یک خبرنگار که واقعا کشته شده را بنویسم و بسازم. به نظر من آن فیلمنامه، فیلمنامه خوبی است که متأسفانه فارابی حمایت نکرد و ساخت آن با سرمایه شخصی سخت است.

### به همه دستاوردها و اهمیت‌های اقتباس، چرا فیلمسازان ما به این سمت نمی‌روند و ما در زمینه اقتباس با چالش‌های مختلف روبه‌رو هستیم؟

دلیل این که فیلمسازان ما کمتر به سمت اقتباس می‌روند این است که اغلب فیلم‌سازها حدیث نفس خودشان را می‌سازند. یعنی به آنچه که در زندگی خودشان نسبت به نفس خودشان علاقمند هستند، همان را می‌خوانند در قالب یک قصه بسازند. به همین دلیل اغلب فیلم‌ها فاقد عناصر درام هستند. برای مثال به تمام داستان‌های مجید نگاه کنید، چرا شخصیت مجید انقدر جذاب و دوستداشتنی است؟ چون با تمام شیطنت و کم‌سن بودنش، خیلی جوانمرد و قهرمان و در عین حال باورپذیر است و همه ما انگار این شخصیت را می‌شناسیم. اغلب آثاری که در سینمای ایران ساخته می‌شود فاقد این عناصری هستند که درام را شکل می‌دهد. اغلب همکاران من فیلمنامه‌هایی که می‌نویسند در حقیقت یک خاطره‌نویسی از خودشان است. یک بخشی از زندگیشان است که فقط برای خودشان جذاب است و بخش‌های مهمی از عناصر درام را ندارد. به همین دلیل فیلم‌های ضعیفی از آب درمی‌آیند. دلیل دیگر نرفتن سینماگران به سمت اقتباس، سوء تفاهم است. مثلاً اغلب کسانی که در سینما دست دارند، این را نمی‌توانند تشخیص دهند، تمیز دهند و از هم جدا کنند که قصه یک ماجراست و فیلمنامه‌نویسی ماجرای دیگری است. یعنی فیلمنامه‌نویس می‌تواند یک قصه‌ای را از کسی بگیرد و آن را به فیلمنامه تبدیل کند. اغلب فکر می‌کنند آن کسی که قصه دارد، صاحب فیلمنامه است. این یک چالش بسیار جدی میان نویسندگان رمان و داستان با فیلمنامه‌نویس است.

این مشکل این روزها به قدری زیاد دیده می‌شود که حیرت‌انگیز است. مثلاً مرحوم سلحشور سریال حضرت یوسف را از قرآن اقتباس کرده و ساخته، این قصه در قرآن موجود است. حالا اگر من هم آن را بسازم و ارثان آقای سلحشور نمی‌تواند ادعا کند که من قصه او را سرقت کرده‌ام! چیزهایی که ماهیت دارد و وجود دارد با فیلمنامه فرق می‌کند. مثلاً یک حادثه‌ای مثل سیلی در جاده چالوس اتفاق افتاده و من از آن یک فیلم ساختم که صاحب این اتفاق موضوع نیست، این موضوع وجود دارد. ممکن است یک مدت بعد، فرد دیگری از زاویه‌ای دیگر همین حادثه سیل جاده چالوس را بسازد. قصه سیل جاده چالوس یک قصه مربوط به خودش است.

### به اقتباس‌های خودتان بپردازیم. شما به چه شکل به سراغ متن برای اقتباس یا ایجاد قصه برای فیلمنامه می‌روید؟

اقتباس انواع مختلفی دارد. مثلاً فیلم «شاخ کرگدن» یک فیلمنامه مستقل اقتباسی است

قبلاً هم فیلم سینمایی ساخته شده اما من بسیار علاقمندم که با یک نگاه جدیدی از این رمان یک فیلم اقتباسی بسازم. اساساً خود داستان خیلی با فرهنگ فیلم‌سازی در ایران هماهنگ نیست، چون داستان مرد متاهلی است که عاشق زنی جوان می‌شود. ولی داستان این درام عاشقانه یک ویژگی‌هایی دارد، در حقیقت کالبدشکافی دلایلی است که چگونه می‌شود که یک مرد متاهل به یک زندگی عاشقانه دیگری، پناه ببرد. از نظر من موضوع بسیار جذابی است و جزو کارهایی است که من خیلی دوست دارم بتوانم با فرهنگ ایران آداپته‌اش کنم و بسازم و فکر می‌کنم از این داستان یک فیلم اجتماعی قابل قبول ساخته شود.

### غیر از داستان این فیلم که شما را جذب کرده، چه المان‌هایی در این داستان هست که شما را متمایل می‌کند برای ساخت این اثر داستانی؟ به بیان دیگر برای اینکه یک فیلمساز به سمت یک اثر اقتباسی برود، چه موضوعاتی را باید مدنظر قرار دهد؟

«پیر» از کتاب‌های پر مخاطب است. کتاب‌هایی که خوانندگان بسیاری دارند قاعدتاً یک نکته برجسته‌ای در دوشان دارند که آن نقطه برجسته اگر در فیلم به خوبی لحاظ شود، می‌تواند تبدیل به یک اثر فاخر سینمایی شود. «پیر» هم دارای این ویژگی هست. ممکن است برخی از کسانی که این کتاب را خوانده‌اند از این انتخاب من تعجب کنند و فکر کنند که این اقتباس با فرهنگ ایران، قابل اجرا و نمایش نیست. ولی به نظر من اگر این کتاب توانسته به زبان فارسی منتشر شود بنابراین امکان فیلم شدنش هم هست. این داستان، هم دراماتیک است و هم بسیار پر مخاطب، پس بسیاری از المان‌های ساخت یک فیلم موفق را از همین الان دارد.

### اما در اقتباس از یک اثر خارجی این الزام وجود دارد که شما آن را با فرهنگ ایرانی سازگار کنید.

بله. یکی از مشکلاتی که ما الان داریم گوشه‌گیری انسان‌ها و فاصله بین زن و مرد است که این امر ممکن است منجر به پناه بردن آن‌ها به افراد دیگر شود و این اتفاق متأسفانه در جوامع امروزی بسیار روی می‌دهد و در این زمان این کتاب می‌تواند دست‌ما به خوبی برای یک فیلم فاخر باشد. در واقع داستان این کتاب از این روزهای کشور ما دور نیست و همین طوری سازگاری موضوعی وجود دارد. البته قصه‌های خوب زیاد است من این را مثال زدم برای این که بگویم ما به عنوان فیلم‌سازان ایرانی می‌توانیم کتاب‌های پر مخاطب را انتخاب کنیم، به نکات برجسته‌اش توجه داشته باشیم و با فرهنگ ایران آداپته‌اش کنیم.

### سوال عمده ما این است که با توجه



**فیلمی که خیلی دوست داشتیم آن را بسازم و متأسفانه موفق به ساختش نشدم، فیلمنامه‌ای بود در مورد «شیرین ابوعاقله» یک خبرنگار فلسطینی-آمریکایی که در اسرائیل کشته شد. من دقیقاً براساس همان اطلاعاتی که خود اسرائیل به عنوان حادثه‌ای که منجر به قتل شیرین ابوعاقله شده بود، یک فیلمنامه نوشتم**